

نگاهی به خط نسخ شیوه ایرانی در دوره صفوی

ستار خالیدیان^۱

زینب افضلی^۲

علی اصغر رمضان‌زاده^۳

چکیده:

هنر خوشنویسی یکی از جمله هنرهایی است که در فرهنگ اسلامی و به ویژه در دوران صفوی از مقام والایی برخوردار می باشد. علاقه و حمایت شاهان هنر دوست صفوی در کنار تلاش برای زیباتر شدن ابنیه و اهمیت قابل توجه فن کتابسازی، پیشرفت هنر خوشنویسی را در پی داشت. در واقع دوره صفویه از درخشانترین ادوار ترقی و تکامل خطوط مختلف ایرانی بویژه ثلث، نسخ و نستعلیق است. خوشنویسان بزرگی همچون علیرضا عباسی، میر عماد قزوینی، میرزا احمد نیریزی و ... در این میان سهم به سزایی دارند.

در این پژوهش سعی خواهد شد که به هنر خوشنویسی صفوی از جنبه تمرکز بر روی خط نسخ که در متون با نام خط نسخ شیوه ایرانی یاد شده، پرداخته شود. خطی که تقریباً از اواخر این دوران برای کتابت ادعیه، متون مذهبی و قرآن ها مورد استفاده بود و تا روزگار ما نیز ادامه یافته است. در همین رابطه به بررسی قرآن نگاری آن دوران پرداخته ایم و برآنیم تا با جمع آوری اطلاعات پراکنده در ارتباط با ویژگی های خط نسخ شیوه ایرانی شاید بتوانیم تصویری کلی از این قلم را ارائه دهیم.

واژگان کلیدی: خوشنویسی، خط نسخ، عصر صفوی، میرزا احمد نیریزی، نسخ شیوه ایرانی.

۱. دانشجوی دکتری باستان شناسی اسلامی دانشگاه تهران s.kaledian@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی azfzali.zainab7@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری باستان شناسی اسلامی دانشگاه تهران Ramezanzadeh@ut.ac.ir

آورده اند که «خوشنویسی نوشتن خط به زیبایی و با رعایت قواعد خطاطی است» (انوری ۱۳۸۱؛ ۲۹۰۳) و «خوشنویسی هنر یا فن نوشتن با خط زیبا و خطاطی است.» (صدری افشار و دیگران ۱۳۸۴؛ ۴۲۱). در واقع واژه Calligraphy انگلیسی به معنی «خوشنویسی» از دو واژه یونانی graphein (نوشتن) و kallos (زیبا) مشتق شده است؛ اما نوشتن زیبا و تکامل سبک های متمایز از یکدیگر را نمی توان فی نفسه، خوشنویسی دانست. برای تحقق خوشنویسی واقعی، ترکیب و آمیزش چندین عامل لازم است و خوشنویسی فراتر از گونه ای ساده از مهارت است (گاور ۱۳۶۷؛ ۲۰۷).

سلطان علی مشهدی یکی از خطاطان مشهور، درباره خوشنویسی می گوید: خوشنویسی - خطاطی - در حقیقت یکی از چشم نوازترین و دلکش ترین تجلیات فرهنگ اسلامی است (شیمل ۱۳۷۴؛ ۳۰۶). این جملات بیانگر اهمیت والای خوشنویسی در اسلام در بین مسلمانان است.

خوشنویسی اسلامی با تمسک به صور گوناگون و نمادین حروف پیوندی عمیق بین اجزای عالم به وجود می آورد. اسلوب های مختلف خوشنویسی هر یک به فراخور کیفیت و قابلیت خود، نسبت و ارتباط ویژه ای با یکی از صور عالم هستی دارد و بازگو کننده تناظری از تناظرات هستی مطلق است (خوشرو ۱۳۷۵؛ ۱۸). این خوشنویسی منزلت خاص و ممتازی در اسلام دارد. همان طور که قرائت قرآن کریم در مقام یک هنر صوتی قدسی است، هنر خوشنویسی نیز، که بازتاب تحریر کلام پروردگار است، سرچشمه هنرهای تجسمی به حساب می آید. خوش نویسی متن قرآن در عین حال که از دین اسلام نشات می گیرد، معرف واکنش روح ملل مسلمان نسبت به «پیام الهی» است. پیوند خوشنویسی با قرآن کریم موجب بسط اخلاق اسلامی در میان خوشنویسان شده است و آنها در اثر نزدیکی با کلام الهی، شایسته کمالات اخلاقی شده و بسیاری از هنرمندان خوشنویس در عصر خود از پارساترین و پرهیزگارترین انسان ها بوده اند (خوشرو ۱۳۷۵؛ ۲۰).

«تاریخ خوشنویسی در دنیای اسلام با نوشتن نص قرآن کریم به خط منضبط و مجلل کوفی آغاز شد. خطی که در ابتدا با حروف راست گوشه و فقدان نقطه گذاری ها و دیگر علائم شاخص حروف مشخص بوده است» (شیمل ۱۳۷۴ ؛ ۳۰۷). با پیدایش خط نسخ در قرن ۴ هجری، جهان خوشنویسی رنگ و جلوه ای دیگر یافت که توفیق آن از برکت کتابت قرآن کریم و اهمیت این کتاب مبین در میان مسلمانان است. بعدها خطوط دیگری نیز برای کتابت قرآن ها مورد استفاده قرار گرفت که برخی از این خطوط کاربرد بیشتری یافته اند، مانند خط ثلث، ریحان، محقق و نستعلیق. لازم به ذکر است که قدیم ترین نسخه قرآن تاریخ وقفیه مورخه ۱۶۸ هجری را دارد که در کتابخانه قاهره نگهداری می شود (دیماندا ۱۳۶۵ ؛ ۷۸).

خط نسخ:

در فرهنگ ها و لغت نامه ها در ارتباط با خط نسخ تعاریف متعددی ارائه گردیده است که عبارتند از: « نسخ : زایل گردانیدن . محو کردن چیزی، از بین بردن، منسوخ کردن. باطل کردن چیزی و چیز دیگری جای آن آوردن. برانداختن. خط نسخ: یکی از شش قسم خطی است که ابن مقله در اواخر قرن ۳ هجری مخترع آن بود. آن را خط قرآنی نیز گویند، زیرا که در این ایام قرآن مجید را به این خط می نویسند و آن را خط بدیع گویند» (دهخدا ۱۳۷۷ ؛ ۲۲۴۵۷). «از خطوط معروف در کشورهای اسلامی که بیشتر در حروف چینی، ماشین نویسی و تحریر قرآن کریم به کار می رود» (انوری ۱۳۸۱ ؛ ۷۸۰۸). «آن را خط قرآنی نیز گویند زیرا که در این ایام قرآن مجید را به این خط می نویسند» (نفیسی ۱۳۵۵ ؛ ۳۷۰۴). «خطی که کتاب ها و روزنامه ها با آن چاپ می شود، خط کتابی اختراع خواجه عمادالدین یاقوت مستعصمی» (عمید ۱۳۶۰ ؛ ۱۹۰۳). «خطی است که محققان ریشه آن را در عهد جاهلیت نیز یافته اند. اما خط نسخ عربی پس از خط کوفی در ایران رواج یافت و اینکه شهرت دارد که خط عربی در اول کوفی بوده و ابن مقله خط نسخ را اختراع کرده است، بر اساسی نیست و خطوطی به خط نسخ بر روی پاپیروس موجود است که متعلق به اواخر قرن اول هجری است و ابن مقله خط

نسخ را موزون و زیبا ساخت و لایق آن قرار داد که قرآن را بدان خط بنویسند» (معین ۱۳۷۹؛ ۲۱۲۰). «نام خطی از ۶ خط اختراع کرده خواجه عمادالدین یاقوت مستعصمی است. چون خواجه مذکور خط نسخ را اختراع کرد، خطوط دیگر پیش از آن منسوخ شدند. به همین سبب خط نسخ گویند» (شاد ۱۳۳۵؛ ۴۳۲۷).

بر اساس آثار باقی مانده از هنر خوشنویسی و کتابت در دوران اسلامی، به نظر می‌رسد، پس از خط کوفی، مهمترین خط اسلامی از دیدگاه تاریخی، خط نسخ است. به اعتقاد اکثر خط‌شناسان، جنبه عملی خط نسخ بر کوفی برتری دارد و اگر رجحانی برای کوفی بتوان قائل شد از جهت تاریخی و اهمیتی است که این خط در صدر اسلام یافت. خط نسخ نیز پیشینه‌ای برابر با خط کوفی و حتی جلوتر از آن دارد و این خط سازگاری بیشتری با حرکات نرم دست و قلم دارد و سرعت آن نیز از جهت نگارش بیشتر است. «خاستگاه این خط شکل ناقصی بود که حجازی نامیده می‌شد. بعدها هنگامی که خط کوفی جنبه هنری پیدا کرد، خط نسخ وسیله‌ای شد برای برقراری ارتباط» (پارشاطر ۱۳۸۴؛ ۳).

«نسخ یکی از قدیمترین خطوط مستدیر و قوسی است که با پایانه‌های افقی کوتاه نوشته می‌شود و تقریباً عمق عمودهای بالا و پایین خط زمینه برابر است. منحنی‌ها کامل و عمیق و خطوط مستقیم و عمودی‌ها راست هستند، و کلمات عموماً دارای فاصله‌های مناسبی هستند» (سفادی یاسین ۱۳۸۱؛ ۶۶). در این خط رعایت قاعده نسبت که یکی از قواعد مهم خوشنویسی است، سبب زیبایی بسیار شده است. بعلاوه خط نسخ، خطی است کامل، معتدل، منظم و واضح، به همین دلیل در خواندن حروف و کلمات هیچ اشتباه و دشواری پیش نمی‌آید، بخصوص وقتی که با حرکات و اعراب همراه باشد. ویژگی دیگر خط نسخ اعتدال آن است. در وجه تسمیه این خط گفته شده، خط نسخ سایر خطوط را نسخ کرد، زیرا پس از ظهور این خط، اقلام دیگر برای کتابت قرآن کریم منسوخ و کتابت منحصر به این قلم شد.

انواع خط نسخ عبارتند از:

۱. نسخ قدیم (حجازی)

۲. نسخ الفصاح

۳. نسخ الحديث

۴. نسخ ایرانی (نسخ نیریزی)

۵. نسخ عثمانی (نسخ یاقوتی یا ترکی)

۶. نسخ بغدادی

۷. نسخ چاپی (مقتدایی ۱۳۸۵؛ ۲۵).

قدیمی ترین نمونه خط نسخ، صفحه ای است از سند واگذاری قطعه زمینی که به نظر د.س. مارگولیت در تاریخ ۴۰۱ هجری قمری نوشته شده است (یارشاطر ۱۳۸۴؛ ۳۵). با پیدایش خط نسخ در قرن ۴ هجری جهان خوشنویسی رنگ و بوی دیگری یافت که توفیق آن از برکت کتابت قرآن کریم و اهمیت این کتاب در میان مسلمانان است. واضح و بنیانگذار این خط را محمد علی بیضاوی شیرازی معروف به ابن مقله دانسته اند که با مقیاس ها و قواعدی که او وضع کرد، این خط، مرحله مقدماتی خود را طی کرد و به پیشرفت و زیبایی رسید، چنانکه برای کتابت قرآن ها و کتب مذهبی از آن استفاده می شد.

تکمیل و تهذیب خطوط به ویژه خط نسخ در قرن ۵ هجری توسط علاءالدین علی بن هلال کاتب معروف به ابن بواب انجام گرفت. وی با خطی استوار کتابت چندین نسخه از قرآن را به عهده داشته است و اکنون نیز نسخه ای نفیس و کامل از قرآن کریم به خط نسخ ریحانی از ابن بواب در موزه چستربیتی لندن موجود است. از قرن ۶ هجری بیشتر از خط نسخ در نوشتن قرآن ها استفاده می شد و در این زمان خط کوفی منحصراً در سراسره ها به کار می رفت. بعد از ابن بواب در نیمه دوم قرن ۷ هجری، تاریخ شاهد هنرنمایی نابغه خوشنویسی، یاقوت مستعصمی است. وی با شیوه درخشان خاص خود، در کتابت قرآن مجید ذوقی وافر بروز داد و از خطوط ثلث، ریحان و بخصوص نسخ در خوشنویسی آیات قرآنی بهره گرفت.

جایگاه هنر خوشنویسی در عصر صفوی:

حکومتی که شاه اسماعیل اول در ۹۰۷ هجری تأسیس کرد، حکومتی مذهبی، بر پایه شاخص های دینی موجود در جامعه بود. حاکمان صفویه توانستند با اتکاء بر نهاد دین

روند شکل‌گیری قدرت دنیوی خود را تسریع بخشید. در این دوره عنصر فرهنگ و سیر تحولی آن با تشکیل حکومت و استواری آن رونق بالایی یافت که نه تنها به خاطر وجود دانشمندان، متفکران و هنرمندان برجسته بود، بلکه وجود شاهان و حاکمان هنرمند و هنر دوست و تشویق‌های آنان که موجب این امر شد. گرچه دولت صفوی بر زمینه‌ای بکر از تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران بنا نشد (جوانی ۱۳۸۵؛ ۴۳) و نقش شهر هرات به عنوان پایتخت هنری ایران در دوره تیموریان را نمی‌توان نادیده گرفت، اما ایجاد فضای مناسب سیاسی جهت رفت و آمد هنرمندان، شاعران و نویسندگان به دیگر کشورهای فرهنگی و ارتباط و مبادله افکار و هنرها با هنرمندان کشورهای دیگر هم، ارتقاء فرهنگ ایران عهد صفویه را در پی داشت.

در این دوره فن کتابسازی، جلدسازی، تذهیب و همچنین تاریخ‌نگاری، هنر خطاطی، خوشنویسی و هنرهای دستی نظیر سفال‌سازی، فلزکاری، فرش‌بافی، رونق شایسته‌ای یافت. همچنین ساخت پلها، کاروانسراها، مدارس، مساجد، کلیساها، کاخ‌ها، باغ‌ها نه تنها به عمران و آبادانی کشور کمک کرد، بلکه سبک و شیوه جدیدی در هنر معماری شد. آنچنان که نوشته‌اند در مغرب زمین آوازه شکوه و عظمت ابنیه سده ۱۱ هجری اصفهان بیش از هر شاهکار معماری دیگر ایران است (ولش ۱۳۸۵؛ ۱۳).

بزرگترین احیای هنرها در دوره شاه عباس اول بود. انتقال پایتخت به اصفهان به فرمان او در سال ۱۰۰۰/ ۱۵۹۱ نشان از جهشی مهم در حمایت از معماری و نقش دولت در حیات هنرهای دیگر دارد (بلر و بلوم ۱۳۸۱؛ ۲۰۴). به طور کلی به نظر می‌رسد شاه عباس به هنرهایی مثل معماری و شهرسازی و هنرهای مفید فایده اقتصادی (تولید سفالینه، پارچه و فرش‌های قابل صدور) که مورد نیاز کشور بود، بیشتر توجه داشت تا تهیه و تدوین کتب گرانبها که جنبه شخصی تری داشت (سیوری ۱۳۸۵؛ ۱۲۷). با این همه به نظر می‌رسد که شاه عباس حمایت گسترده‌ای از هنرمندان به عمل آورده است. نوشته‌اند که شاه عباس که علاقه زیادی به هنرهای زیبا داشت خوشنویسان و نقاشان و هنرمندان دیگر را از هرسو به اصفهان می‌خواند و برای هر کدام حقوقی معین می‌کرد و به کاری که شایسته هر یک می‌بود می‌گماشت (فلسفی ۱۳۴۷؛ ۵۳).

یکی از دلایل حمایت شاهان صفوی از هنرمندان را می‌توان در استعداد هنری آن‌ها جستجو کرد. نقل است که شاه اسماعیل صفوی نه تنها به ترکی شعر می‌گفت، بلکه دارای خطی خوش نیز بود. شاه طهماسب نه تنها یک حامی مشتاق هنر بود، بلکه خود نیز اوقات زیادی از جوانی را صرف آموختن نقاشی کرده بود و به هنگام جوانی نقاشی ماهر بود و خطوط ثلث، نسخ و نستعلیق را خوب می‌نوشت. مهارت او در تذهیب سرلوح بود. بسیاری از هنرمندان برجسته آن زمان نیز از دوستان او بودند. او حامی خوش قریحه و سختگیری بود که کار هنرمندانش را از نزدیک زیر نظر داشت. به طور کلی شاه اسماعیل و شاه طهماسب به هنر کتابسازی علاقه بسیاری داشتند، ولی این کتاب‌ها بیشتر شامل کتب مصور و شاهنامه‌ها بوده است، مثل شاهنامه شاه طهماسبی که ۲۵۰ نقاشی مینیاتور داشته است (سیوری ۱۳۷۲؛ ۱۲۵). بهرام میرزا برادر شاه طهماسب نیز با اینکه در جوانی وفات یافت، در شعر و به ویژه هنر موسیقی و خوشنویسی گوی هنر از دیگران ربوده بود (شیمل ۱۳۶۸؛ ۱۰۱).

رواج خوشنویسی متأثر از مذهب تشیع هم بود چراکه ایران عصر صفوی در کلیه ادوارش کشوری با سیاست خاص مذهبی بود و این امر بسیاری از معنویات و کمالات را تحت شعاع خود قرار می‌داد. شاهان صفوی به علت ضدیت و خصومتی که با دولت‌های عثمانی و شیبانی داشتند، در ترویج معنویات سعی خود را منحصر به تشویق و تبلیغ مذهب تشیع کردند (میر احمدی ۱۳۶۳؛ ۷۴). این موضوع مسایل زیادی را از خود متأثر می‌کرد. به عنوان مثال در فرهنگ اسلامی هنر خوشنویسی پیوند عمیقی با مفاهیم دینی دارد. «مسلمین از ابتدا به خوشنویسی بیش از نقاشی توجه داشته‌اند، زیرا نقاشی و صورت‌سازی در مذهب اسلام تقریباً ممنوع بود» (تاج‌بخش ۱۳۴۰؛ ۱۷۹). از این رو پس از آنکه مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام گردید، با توجه به اهمیتی که خوشنویسی در فرهنگ اسلامی داشت شاهد رونق این هنر هستیم. هنری که آن ماری شیمل آن را «هنر گوهرین» اسلامی می‌خواند (شیمل ۱۳۶۸؛ ۱۹۳).

از طرف دیگر شاهان صفوی سعی کردند در تبلیغ اهداف و اندیشه‌های خود از این هنر استفاده کنند. در دوره صفوی شاهد ساخته شدن بناهای مذهبی زیادی چون مساجد،

مدارس دینی، بقعه امامزادگان و... هستیم. توجهی که پادشاهان صفوی برای هرچه باشکوه‌تر جلوه دادن این آثار می‌کردند موجب شد آیین خوشنویسی از محدوده تولید کتاب و نسخ خطی بسیار فراتر رفته و نوشته‌های عربی با خط معمولی یا در سبک‌های مختلف نقش عمده‌ای در تزیین مساجد و دیگر ابنیه مذهبی پیدا کنند. به دیگر سخن احساسات مذهبی هم در خطاطی و هم در تذهیب انتزاعی نوشته‌ها مجال تجلی یافت (سیوری ۱۳۷۲؛ ۱۲۷). این کتیبه‌ها شامل نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم، احادیث و ادعیه، گفتار بزرگان، اشعار و متون فارسی، نام سفارش‌دهنده، علت ساخت اثر، نام هنرمند و تاریخ تولید اثر است که گاهی در فضاهای هندسی با نقوش اسلیمی، ختایی و غیره بر روی آثار مختلف نقش می‌بندد. این نوشته‌ها علاوه بر جنبه تزیینی که دارند از جهت تاریخی و مذهبی نیز حائز اهمیت می‌باشند. از مطالعه هنرهای کاربردی به جا مانده از دوره صفوی به این نتیجه می‌رسیم که خطوط نسخ و ثلث و نستعلیق بیشترین کاربرد را در تزیین این آثار داشته‌اند. خط کوفی نیز به نسبت کم‌تری به عنوان خط نگاره در این آثار به کار رفته است. «دوره صفویه از درخشان‌ترین ادوار ترقی و تکامل خطوط به خصوص نسخ، ثلث و نستعلیق بوده است. اکثر شاهزادگان و امرای صفوی به این هنر علاقمند بودند و برخی از آنها این هنر را استادان فرا می‌گرفتند و خطاطان به دربار آنها مقامی بلند داشتند و همین امر باعث ترویج انواع فنون و ظهور بسیاری از نواخ خط و خوشنویسی بوده است» (فضائل ۱۳۵۰؛ ۳۴۶). در این دوره با رواج خطوط نسخ و نستعلیق، کاربرد این دو خط نسبت به سایر خطوط بیشتر شد.

ویژگی کتابت قرآن‌های قرون ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ هجری در ایران:

در ابتدا باید گفت که به قرآن‌نگاری ایران بعد از سال ۱۰۰۹ هجری، چه از سوی تاریخ‌نگاران صفوی و چه از سوی کسانی که به هنر کتابت در تمامی ادوار علاقه‌نشان می‌دادند، کم‌تر اعتنا شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که بررسی قرآن‌های ایرانی قرون ۱۱ و ۱۲ هجری مشکلات بسیاری داشته باشد. این مشکلات ناشی از

کمبود کار تحقیقی در مورد این قرآن‌ها است (کونتادینی ۱۳۸۵؛ ۱۰۹). دیوید جیمز نیز پیش از این درباره فقدان شواهد و مدارک مربوط به این دوره در ارتباط با قرآن‌ها سخن گفته است.

طبق مطالعات و بررسی‌هایی که بر روی قرآن‌های دوره صفوی صورت گرفته، یک تقسیم‌بندی کلی در ارتباط با ویژگی‌های این قرآن‌ها ارائه شده است. در این تقسیم‌بندی، کتابت در هر یک از این ۳ قرن دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد می‌باشد. البته این تقسیم‌بندی مطلق نیست و ممکن است ویژگی‌های کتابت قرنی در قرون بعدی نیز ادامه یافته باشد.

ویژگی‌های کتابت در قرن ۱۰ هجری:

۱. قرآن‌ها به سه خط ثلث و نسخ و ریحان تحریر شده‌اند.
۲. کتابت با دو خط ثلث و نسخ بیشتر است.
۳. در بیشتر موارد سرسوره‌ها به خط رقاع است.
۴. احتمالاً اولین قرآنی که با خط نستعلیق کتابت شده، در این قرن بوده است.
۵. بانوان نیز در این قرن به کتابت قرآن‌ها پرداخته‌اند.
۶. قرآن‌ها دارای قطع‌های متفاوتی هستند.
۷. ترجمه قرآن‌ها در حواشی و به دو خط نسخ و نستعلیق بوده است.

ویژگی‌های کتابت در قرن ۱۱ هجری:

۱. کتابت قرآنی خط نسخ در این دوره بیشتر شد.
۲. در این قرن ما شاهد ظهور احمد نیری و نسخ شیوه‌ی ایرانی هستیم.
۳. قرآن‌ها منحصراً در قطع رحلی تولید می‌شدند.
۴. ترجمه‌ی قرآن‌ها جزعی از متن می‌شود.
۵. حاشیه‌نویسی در این قرآن‌ها با خطی غیر از خط متن بوده است.

ویژگی های کتابت در قرن ۱۲ هجری:

در این قرن علاوه بر ویژگی های قرآن های قرون ده و یازده، دو ویژگی زیر بسیار قابل توجه است:

۱. استفاده از خطوط شش گانه به خصوص ثلث و نسخ.
 ۲. کم اهمیت شدن خوشنویسی به دلیل اوضاع بد سیاسی در این مقطع زمانی.
- احیای مجدد سنت کتابت قرآن ها که در دوران شاه سلیمان صفوی و فرزندش شاه سلطان حسین صورت گرفت، باعث پدید آمدن قالب جدیدی در قرآن نگاری و استفاده از شیوه ترجمه بین سطری شد. یکی از نتایج این احیاء، ظهور احمد نیریزی بود. در واقع هنر خوشنویسی و کتابت در این قرن از جهت حضور احمد نیریزی و توانایی های او در قلم نسخ بسیار قابل توجه می باشد.

میرزا احمد نیریزی:

«احمد نیریزی فرزند شمس الدین محمد، متولد نیریز فارس بود» (سمسار ۱۳۷۵؛ ۱۰۰). بر اساس شواهد و مدارک موجود، احمد به رغم گذران دوران طفولیت و نوجوانی در نیریز، هنر خوشنویسی را در اصفهان فراگرفت. وی نخستین بار نام این شهر را در ترقیم کتاب دعایی متعلق به سال ۱۱۰۷ هجری ذکر کرده است. سپس این نام را در ترقیم دست نوشته ای متعلق به سال ۱۱۱۰ هجری قمری ذکر شده و تا پایان دوران فعالیت خود متناوباً در ترقیم هایش از این شهر نام برده است (بیانی و دیگران ۱۳۸۱؛ ۱۲۸). منابع آغاز اقامت احمد در اصفهان را سال ۱۱۰۰ هجری نوشته اند، اما سندی برای اثبات این گفته در دست نیست (بیانی ۱۳۵۸؛ ۱۹). وی کتاب دعایش، متعلق به سال ۱۱۰۷ هجری قمری را با عنوان احمد النیریزی السلطانی رقم نویسی کرده؛ از این رو یقیناً احمد از اولین روزهای به قدرت رسیدن شاه سلطان حسین با وی روابط دوستانه و نزدیک داشته است. او در ترقیم قطعه ای متعلق به سال ۱۱۱۵ هجری نیز از لقب سلطانی استفاده کرده، اما بعد از آن به دلایلی نامعلوم از ذکر این لقب در ترقیم آثارش خودداری ورزیده است. وی حتی در دورانی که مستقیماً برای شاه سلطان حسین

خوشنویسی می کرد، این لقب را به کار نبرده است (بیانی و دیگران ۱۳۸۱؛ ۱۲۸). اولین اثر میرزا احمد صحیفه سجادیه ای به سال ۱۰۸۷ هجری است. میرزای سنگلاخ (نویسنده کتاب تذکره الخطاطین در قرن ۱۳ هجری قمری)، تعداد قرآن های کتابت شده به خط احمد را ۱۲۰ عدد ذکر نموده است. ولی با بررسی های صورت گرفته مشخص شد که شمار قرآن های شناخته شده ای که در نسبت آنها به احمد جای تردید نیست، به ۱۰ نسخه هم نمی رسد.

در هر حال مجموعه آثار بازمانده میرزا احمد را می توان از دیدگاه شمار، بیشتر از آثار همه خوشنویسان دیگر دانست. علت این مسئله گذشته از وجود نمونه های ساختگی و آثار خوشنویسانی که به نام او شده است، شامل موارد دیگری از قبیل زیر است:

۱. مدت زمان کتابت او که در منابع ۶۲ سال آمده است.
۲. کم حجم بودن بیشتر نسخه های کتابت شده او، به طوری که از بین ۸۳ نسخه او، ۳۲ نسخه بر ۱۲ تا ۵۲ صفحه نوشته شده است.
۳. آثار او همگی شامل قرآن کریم و ادعیه و متون مذهبی است، بنابراین بهتر از هر نسخه دیگری نگهداری شده است، و کمتر در معرض نابودی قرار گرفته است.

۴. پشتیبانی مادی و معنوی شاه سلطان حسین و بزرگان و درباریان. به حق می توان این چنین اظهار نمود که میرزا احمد نیریزی، نامدارترین خوشنویس قلم نسخ ایران است. شهرت او را در نسخ به پایه میر عماد در نستعلیق و درویش عبدالمجید طالقانی در شکسته نویسی می دانند (سمسار ۱۳۷۵؛ ۱۰۵).

در تمام دوران حکومت شاه سلطان حسین از سوی دربار ماموریت هایی به میرزا احمد داده می شد، تا دست نوشته های مختلفی را خوشنویسی کند. در واقع به رغم زوال و انحطاط قدرت سیاسی صفوی، خوشنویسی تا آخرین روزهای حیات این سلسله یکی از هنرهای برجسته بود تا جایی که برای میرزا احمد نیریزی، دستمزدی بالغ بر ۶۰ هزار تومان ذکر کرده اند (رفیعی مهرآبادی ۱۳۴۷؛ ۱۵۶).

در سال ۱۱۳۴ هجری، شهر اصفهان توسط افغان ها مورد محاصره قرار گرفت و در نهایت به تصرف آنها در آمد. این رخداد باعث شد تا پایان غیر منتظره و خونی برای

این دوران شکوفایی رقم بخورد. نیریزی هرچند کاتب رسمی دربار بود، ولی از این فاجعه جان سالم به در برد. وی در این هنگام به خانه حاج محمد صراف پناه برد و به نشانه قدردانی، کتاب دعایی را به سال ۱۱۴۲ هجری خوشنویسی کرده و به او تقدیم کرد که در این کتاب به این واقعه اشاره شده است. نیریزی به رغم قطع حمایت های دربار صفوی هم چنان تا ۲۰ سال پس از حمله افغان ها به خوشنویسی دست نوشته های ارزشمند خود ادامه داده است (بیانی و دیگران ۱۳۸۱؛ ۱۲۸). وی یکی از پرکارترین کاتبان و گرانقدرترین استادان خوشنویسی در قلم نسخ است. آثار ترقیم شده او عبارت است از نسخه های متعددی از قرآن و کتب ادعیه، تمرینات خوشنویسی، کار با لاک الکل و کتیبه ای قرآنی در کاخ چهل ستون اصفهان متعلق به سال ۱۱۲۷ هجری قمری. کتیبه عمارت چهل ستون (لوحه های آیه الکرسی به قلم نسخ ممتاز، با جداول مذهب در دو طرف ایوان آئینه کاخ چهل ستون) و دیگر آثار مشابه احمد نیریزی نشان می دهد که وی در روزگار حکومت شاه سلطان حسین برجسته ترین خوشنویس دربار محسوب می شده است. اما این امر و دیگر جزییات در مورد زندگی احمد و دیگر کاتبان آن روزگار را تنها می توان، با استفاده از ترقیم دست نوشته های آنان دریافت، زیرا همان گونه که محمد حسن سمسار توضیح داده، زندگی نامه ای که میرزای سنگلاخ درباره احمد نیریزی نگاشته، غیر قابل استناد است (پیشین ۱۳۸۱؛ ۱۲۸). آخرین اثر او به سال ۱۱۵۲ هجری، نسخه ای از دعای کمیل است که در نجف تحریر شده و امروزه در موزه گلستان نگهداری می شود. «لازم به ذکر است که از میان تذکره نویسان و تاریخ خط نویسان پیشین و معاصر، تنها استاد بیانی او را در رده خوشنویسان شکسته و نستعلیق نیز به حساب آورده است» (سمسار ۱۳۷۵؛ ۱۰۵).

نسخ شیوه ایرانی:

همانند خط نستعلیق که در حوزه نگارش متون فارسی متداول بود، خط نسخ میرزا احمد برای کتابت متن عربی کتب دینی و قرآن جلوه خاصی پیدا کرد. برخی خط نسخ او را به واسطه شکل خاص و حروف استثنایی آن، منعکس کننده اعتماد به نفس

منحصر به فرد کاتب برشمرده اند (بیانی و دیگران ۱۳۸۱؛ ۱۳۰). قلم نسخ احمد نیریزی اوج تکامل شیوه ای است که آن را نسخ ایرانی می خوانیم. این شیوه نه تنها از نسخ دیگر سرزمین های اسلامی متمایز است، بلکه با شیوه نسخ نویسی پیش از پیدایش این مکتب نیز تفاوت دارد (سمسار ۱۳۷۵؛ ۱۰۵).

در واقع قرآن های تحریر شده به قلم نیریزی تمایز روشن تری میان اجزاء درشت تر و نازک تر حروف را ایجاد می کند، تا در نسخ نویسی های زمان گذشته تر یا از آن مکتب ترکی؛ و این ویژگی محتملاً بر اثر کجی بیشتر قط در تراش سر قلم نیز نمایان می گردیده است و قلم او محرف معتدل است (شیمل ۱۳۷۴؛ ۳۱۰). یکی از مهم ترین مشخصات بارز آثار احمد نیریزی، اندازه نسبتاً بزرگ نوشته و ایجاد فضای باز در میان سطرهای متن است. در نسخ وی، اعراب دقیقاً هم شأن حروف ترسیم شده است. وی هم چنین دقت می کرد که اعراب در بالا و پایین، در سرتاسر متن، دقیق و در فاصله درست قرار گیرد. میرزا احمد همواره بر زیبایی و ترکیب نوشته نسخ خود تاکید داشت (صفوت ۱۳۷۹؛ ۲۱۲). ظرافت و روشنی حروف و کلمات از ویژگی های کتبات این شیوه است. در مجموع می توان گفت نسخ خطی به زبان عربی که به خط نسخ در ایران نوشته شده، مانند قرآن های کوچک و کتب ادعیه، دارای شیوه خاصی از نگارش هستند. در این خط حروف صعود کننده به درستی قائم هستند (برخلاف شیوه نسخ در سنت ترکی که با اندک تمایل به سمت چپ اجرا می شود)، و پایانه های ارسال شده حروف با اندک برگشت خفیف گوشه قلم، از دقت و یکسانی قصور ناپذیری برخوردار است (شیمل ۱۳۷۴؛ ۳۱۰). علاوه بر این در خط میرزا احمد حالتی از نزاهت و روشنی وجود دارد که در خط کمتر کسی از خوشنویسان نظیر آن را می توان دید (قدسی ۱۳۶۳؛ ۱۴). به نظر می رسد که این خط خلاف نسخ عثمانی (که در یک اندازه نگاشته می شود) در اندازه ها و با دانگ های مختلف و متنوع به قلم آمده است. «خط نسخ در ایران تا قبل از احمد نیریزی به شیوه ای که اکنون در ممالک عربی متداول است دیده می شود. یعنی نسخ مایل به ثلث و محقق، و احمد نیریزی آن را به شیوه ای خاص که گویی از نستعلیق چاشنی گرفته، درآورد و خطاطان ایرانی تاکنون از آن شیوه پیروی کرده اند» (فضائل ۱۳۵۰؛ ۲۹۳). از ابتدای رواج خط نستعلیق، پیشرفت و رونق خط

نسخ فزونی گرفت. اکنون نیز در کشورهای اسلامی اهمیت بسیار دارد و در تحریر قرآن کریم به کار می رود و نیز چون حروف چاپ و ماشین تحریر را به این خط فراهم آورده اند، کتاب ها و نشریات هم به این خط منتشر گردیده اند. این شکل از خط نسخ به دلیل وضوحش، به عنوان خط قرآنی در ایران قرن ۱۲ هجری رواج داشت و برای این گونه متن ها بسیار مناسب می نمود.

تأثیر نسخ شیوه ایرانی بر دوره های بعد:

لازم به ذکر است پس از انقراض دولت صفوی (۱۱۳۵ هجری) و حوادث پیاپی و جنگ ها و شورش هایی که در گوشه و کنار کشور ایران مردم را به خود مشغول کرده بود، روزگار انحطاط هنر به ویژه هنر خوشنویسی، پیش آمد و تا ابتدای قرن ۱۳ هجری سیر نزولی خود را می پیمود. ولی با شروع قرن ۱۳ هجری کم کم به خوشنویسی اقلام شش گانه و مخصوصاً نسخ، توجه بیشتری شد و خوشنویسان نسبتاً زیادی پیدا شدند و آثار نفیسی از قرآن ها و ادعیه و کتب و مرقات و قطعات و کتیبه ها، از زیر دستان آنها بیرون آمد (فضائل ۱۳۵۰؛ ۳۵۶).

یقیناً کیفیت دست خط نسخ احمد نیریزی باعث شد، تا نسخ وی حتی در میان هنرمندان نسل های بعد از او بسیار تأثیر گذار باشد. در حقیقت جایگاه او تا بدان جا رسید که هنر جویان خوشنویس ادوار بعد بگویند «اگر بخواهیم در کتابت به منزلتی دست یابیم، آرزو داریم که مثل احمد نیریزی باشیم». دومین معیاری که نشان دهنده مرتبه بلند نیریزی است، در نوشته ها و آثار مهر مندرج در کار او نهفته است. بر روی آثار وی که در مجموعه گلستان نگهداری می شود مهر و نوشته صاحب نظران مشهوری چون میرزا مهدی خان استرآبادی (وزیر نادر شاه) و یا پادشاهان قاجار مانند فتحعلی شاه و محمد شاه، دیده می شود (بیانی و دیگران ۱۳۸۱؛ ۱۳۰). سبک نیریزی بعد از او قرن ها سرمشق خوشنویسان و مورد اتباع آنها بوده است.

نمونه های خوشنویسی هنرمندان قاجار این ادعای قدیمی را که احمد پدر نسخ شیوه ایرانی رایج در دوره قاجار بوده، را تقویت می کند (صفوت ۱۳۷۹؛ ۲۱۲). شمار زیادی از

خوش نویسان این قلم از روزگار زندگی وی تا سده ۱۴ هجری قمری از او پیروی کرده اند. نسخ نویسان بعدی با اینکه هیچ یک شاگرد مستقیم احمد نبوده اند، اما همه آنها کوشیده اند که به شیوه او بنویسند و دست نوشته هایی همانند او پدید بیاورند. با این همه مقام دست نیافتنی او به ویژه در نسخ کتابت جلی هم چنان دست نخورده باقی مانده است.

نتیجه گیری:

کتابت قرآن از آغاز مورد توجه مسلمانان و هنرمندان خوشنویس بوده است. ایشان سعی نموده اند با بهترین شیوه و زیباترین خط آیات الهی روی کاغذ آورند و بدین طریق، عامل حفظ کلام خدا شوند. توجه و علاقه به هنر خوشنویسی در دوره های مختلف وجود داشت اما به جرأت می توان بیان نمود که این هنر در دوران صفوی به اوج خود می رسد و نامدارترین خوشنویسان در این دوره ظهور می یابند. میرزا احمد نیریزی از جمله این هنرمندان است، که با قلم زیبای خود شیوه ای جدید در کتابت قرآن ها به وجود آورد. شیوه ای که هنوز هم در کتابت قرآن ها و متون مذهبی مورد استفاده است. لازم به ذکر است اگرچه خط نسخ شیوه ایرانی در متون متعلق به دوره صفوی، با نام میرزا احمد نیریزی عجین شده است اما به نظر می رسد مراحل ابتدایی این قلم کمی پیش تر از احمد نیریزی ایجاد شده و او این قلم را قوام و جلا داده است. مهارت او به حدی است که اوج و تکامل این شیوه را در قلم میرزا احمد نیریزی می توان مشاهده کرد. قلمی که دوره های بعد بارها مورد تقلید هنرمندان قرار گرفت اما به نظر می رسد که هیچ یک از این هنرمندان به مقام احمد نیریزی در نگارش شیوه نسخ ایرانی دست نیافتند.

- انوری، حسن، ۱۳۸۱؛ فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۸، تهران، انتشارات سخن.
- بلر، سیلا و بلوم، جانانان، ۱۳۸۱؛ هنر و معماری اسلامی، تهران، انتشارات سروش.
- بیانی، منیژه و کونتادینی، آنا و استانی، تیم، ۱۳۸۱؛ مجموعه هنر اسلامی (کمال آراستگی)، جلد ۴، مترجم: پیام بهتاش، تهران، نشر کارنگ.
- بیانی، مهدی، ۱۳۵۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تاج بخش، احمد، ۱۳۴۰؛ ایران در زمان صفویه، تبریز، انتشارات کتابفروشی چهر.
- جوانی، اصغر، ۱۳۸۵؛ بنیان های مکتب نقاشی اصفهان، تهران، انتشارات فرهنگستان خوشرو، ابوالقاسم، ۱۳۷۵؛ خوشنویسی اسلامی هندسه معنا، فصلنامه هنر، شماره ۳۱.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷؛ لغت نامه دهخدا، جلد ۱۴، زیر نظر: دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دیماند، س.م، ۱۳۶۵؛ راهنمای صنایع اسلامی، مترجم: عبدالله فریار، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، ۱۳۵۲؛ آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی.
- سفادی یاسین، حمید، ۱۳۸۱؛ خوشنویسی اسلامی، مترجم: دکتر مهناز شایسته فر، تهران، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- سمسار، محمد حسن، ۱۳۷۵؛ مقاله احمد نیریزی در دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۷، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی حیان، صفحات ۱۰۸ - ۱۰۰.
- سیوری، راجر، ۱۳۷۲؛ ایران عصر صفوی، مترجم: کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- شیمیل، آنه ماری، ۱۳۶۸؛ خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، مترجم: دکتر اسدالله آزاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- شیمیل، آنه ماری، ۱۳۷۴؛ خوشنویسی (خطاطی)، هنرهای ایران، زیر نظر: ر.دبلیو.فریه، مترجم: پرویز مرزبان، تهران، انتشارات فرزانه.

صدری افشار، غلامحسین و حکمی، نسرین و حکمی، نسترن، ۱۳۸۴؛ فرهنگ گزیده فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

صفوت، نبیل. ف، ۱۳۷۹؛ مجموعه هنر اسلامی (هنر قلم)، جلد ۵، مترجم: پیام بهتاش، تهران، نشر کارنگ.

عمید، حسن، ۱۳۶۰؛ فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات سپهر. فضائی، حبیب الله، ۱۳۵۰؛ اطلس خط (تحقیق در خطوط اسلامی)، اصفهان، نشریه انجمن آثار ملی اصفهان.

فلسفی، نصراله، ۱۳۴۷؛ زندگانی شاه عباس اول، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

قدسی، منوچهر، ۱۳۶۳؛ مرقع، تهران، نشر هنر. کونتادینی، آنا، ۱۳۸۵؛ الگویی سیار: تذهیب قرآنی و منبع غیر مذهبی آن، هنر و معماری صفویه، به کوشش: شیلا کبنی، مترجم: مزدا موحد، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.

گاور، آلبرتین، ۱۳۶۷؛ تاریخ خط، مترجم: عباس مخبر و کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز.

شاد، محمد پادشاه، ۱۳۳۵؛ فرهنگ آندراج، جلد ۷، زیرنظر: محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام.

معین، محمد، ۱۳۷۹؛ فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران، انتشارات امیر کبیر.

مقتدایی، علی اصغر، ۱۳۸۵؛ خط و کتابت، تهران، انتشارات جمال هنر.

میراحمدی، مریم، ۱۳۶۳، دین و مذهب در عصر صفوی، تهران، امیر کبیر.

نفیسی، علی اکبر، ۱۳۵۵؛ فرهنگ نفیسی، تهران، کتابفروشی خیام.

ولش، آنتونی، ۱۳۸۵؛ شاه عباس و هنرهای اصفهان، ترجمه احمد رضا شفاء، تهران، انتشارات فرهنگستان.

یارشاطر، احسان، ۱۳۸۴؛ خوشنویسی (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)، مترجم: پیمان متین، تهران، انتشارات امیر کبیر.